

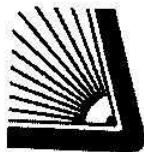
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَمْ يَلْمِ يَظْهَرُونَ

کتاب (صقر) قریش

عبدالرحمان داخل

نویسنده: دکتر احمد بد

ترجمہ: احمد صادقی



انتشارات نظری

سرشناسه	: بدر، احمد / ۱۳۲۰
عنوان و نام پدیدآور	: عقاب (صقر) قریش عبدالرحمان داخل / نویسنده: احمد بدر، ترجمه: احمد صادقی
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات نظری ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	: ۲۲۷ ص: ۲۹×۲۲ م .
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۲۸۷-۴-۴
یادداشت	: چاپ دوم
یادداشت	: چاپ قبلی: بعثت، ۱۳۹۳..
عنوان فرادادی	: صقر قریش: عبدالرحمن الداخل، فارسی
موضوع	: عبدالرحمان اول، خلیفه قرطبه، ۱۱۳-۱۱۲ق - سرداران اسلامی - قرن ۲ق
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۹۹۸
رده بندی کتبه	: ۱۳۹۵ ۷۰۴۱ص۳۶ب / BP۲۱
شناسه افزود	: صادقی، احمد، ۱۳۳۴، مترجم
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۱۳۰۷



انتشارات نظری

نام کتاب: عقاب (صقر) قریش عبدالرحمان داخل
نویسنده: احمد بدر
ترجمه: احمد صادقی
نوبت چاپ: اول-۱۳۹۶
شمارگان: ۱۰۰۰

«کلیه حقوق مادی، چاپ و نشر مخصوص و محفوظ نویسنده می باشد»
دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی، پلاک ۳۲، طبقه ۲، واحد ۷
نیش خیابان فتحی شقایق، جنب بانک انصار، پلاک ۳۲، طبقه ۲، واحد ۷

info@nashrenazari.com
www.nashrenazari.com

همراه: ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵
تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵

قیمت: ۱۳۰۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه مترجم
۴	دیباچه مترجم
	فصل اول
۲۴	عبدالرحمن پیش از ورود به اندلس
۲۶	عبدالرحمن و محیط خانوادگی
۳۸	برابر آوارگی عبدالرحمن
	فصل دوم
۵۶	دعوت عبدالرحمن در اندلس
۵۷	اوضاع اندلس
۷۹	مسیر دعوت عبدالرحمن در اندلس
	فصل سوم
۹۵	دست یافتن عبدالرحمن به حکومت اندلس
	فصل چهارم
۱۲۵	استوار شدن حکومت عبدالرحمن
۱۲۸	عبدالرحمن و عصیبت قیسی
۱۳۵	برخورد عبدالرحمن و عصیبت یمنی‌ها
۱۴۶	حركات یمنی‌ها و مغاربه (غربی‌ها)
۱۵۲	کمک خواستن شورشیان از نیروی خارجی بر علیه عبدالرحمن
۱۶۰	عبدالرحمن و عصیبت اموی
۱۷۲	عبدالرحمن و جلوگیری از خطر اسپانیایی
	فصل پنجم
۱۸۶	نقش تمدن در زمان عبدالرحمن داخل
۱۸۹	حکومت و اداره‌ی آن
۱۹۹	هنر و اندیشه
۲۰۶	حیات فکری اندلس در سایه‌ی عبدالرحمن
۲۱۸	پایان عبدالرحمن و اهمیت دستاوردهایش
۲۲۶	فهرست منابع مترجم

مقدمه مترجم:

تاریخ اندلس را که از دیرباز مورد بحث و گفت‌وگوی مورخان بوده از بخش‌های مهم و آموزنده‌ی عبرت‌انگیز تاریخ اسلام به‌شمار می‌آید. می‌توان از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داد، بعضی از مورخان، فتح اندلس به‌دست مسلمانان را مطرح و پیرامون آن بحث کرده‌اند. برخی دیگر دوران حکمرانی مسلمانان را که حدود هشت قرن ادامه داشته است، مورد بحث قرار داده‌اند. بعضی نیز، ماجرای انقراض حکومت مسلمانان بر این سرزمین را بررسی کرده و به بررسی آن پرداخته و آن‌را به‌عنوان خاطره‌ای غم‌انگیز در تاریخ ثبت کرده‌اند.

تاریخ امویان اندلس در دوره عبدالرحمن داخل - نوه‌ی هشام بن عبدالملک - از سال ۱۳۸ هـ ق به این دیار آغاز شد و تا سال ۴۲۲ هـ ق امتداد یافت. درخشان‌ترین روزگار حکومت مسلمانان بر این قسمت از سرزمین‌های غربی اسلام است. این دوره به‌سبب استمرار حکومت امویان و نیز، به‌عنوان نخستین ویداد جدایی‌بخش وسیعی از قلمرو اسلام از حوزه‌ی حکمرانی عباسیان، اهمیت بسیاری دارد. در این گذشته سرگذشت عبدالرحمن داخل از کودکی و پیشینه‌ی تربیتی او، شجاعت و بی‌باکی بی‌مانندی که به‌هنگام فرار از شام تا آفریقا و اندلس، گریختن از چنگال عمال آل عباس پس از آن غلبه بر همه‌ی قبایل عرب ساکن در اندلس، قبضه کردن حکومت آن دیار و چگونگی حکومت عصر او از رویدادهای بسیار حساس تاریخ اسلام در این منطقه است که مورد توجه این‌جانب بوده است. ترجمه و تحقیق این کتاب را تا حدود زیادی با این هدف و نیز آنچه را که با وظایف علمی و رشته‌ی تخصصی پیوستگی دارد، مورد بررسی قرار داده‌ام. بررسی

بعد دیگر تاریخ اندلس از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند برای کشورهای تحت‌نفوذ قدرت‌های بیگانه درسی آموزنده باشد، چرا که ما می‌بینیم در حال حاضر استکبار جهانی بر سرنوشت کشورهای اسلامی استیلا یافته و آزادی و اختیار عمل را از دست مسلمانان گرفته، به‌گونه‌ای که اگر مسلمانان غفلت ورزند و دنیا را بر دین برتری دهند، از مرگ زار فتنه‌انه در راه دفاع از حیث خود به‌راسند، نابودی در کمین آن‌هاست. ولی اگر در برابر ستمگران و استکبار به‌پا خیزند و از دین، شرافت، فرهنگ، آزادی و استقلال خود دفاع کنند، پیمانه زنده و جاوید خواهند بود، هر چند در این راه پرافتخار به‌فوز شهادت نایل آیند.

بنابراین با همه‌ی تلاش‌ها و مراجع به فرهنگ‌نامه‌های واژگان و راهنمایی استادان محترم، باز هم کار خود را از راه خالی از هرگونه نقص و سهو نمی‌دانم و شکی نیست که به خاطر محدود بودن دامنه‌ی کار ترجمه و تحقیق کتاب «صقر قریش - عقاب قریش» نتوانسته‌ام تمام آنچه که تاریخ اسلام در این خصوص برای ما باقی گذاشته، در این کتاب بیاورم. تنها در ارتباط با ترجمه و تحقیق کتاب فوق‌الذکر، موارد زیر را متذکر می‌شوم:

۱. متن عربی این کتاب تا حدودی مشکل بوده که با برخی از سون عربی قدیم و جدید، قابل قیاس نیست.

۲. ارجاعات مولف را به‌سبک خود متن کتاب در آخر هر فصل و توضیحات مترجم

را به‌صورت شماره مسلسل داخل قلاب، پس از ارجاعات مولف قرار داده‌ام.

۳. بعضی از توضیحات جزوی را در داخل ترجمه بین قلاب افزوده و همچنین غلط‌های موجود در متن کتاب را در توضیحات ذکر کرده‌ام. ضمناً دیباچه گونه‌ای درباره‌ی زمینه‌ی تاریخی اندلس پیش از امویان به‌عنوان مقدمه‌ای بر اصل کتاب که فاقد مقدمه بوده و نیز، شجره‌نامه‌ای از امویان، نقشه‌هایی مربوط به اندلس و فهرستی از مشخصات خلفای اموی اندلس به آن افزوده‌ام.

۴. منابع مترجم را در آخر کتاب آورده‌ام که اهم آن‌ها، کتاب‌های، تاریخ یعقوبی، م ۲۸۴ هـ، تاریخ طبری م ۳۱۰ هـ ق، الکامل فی‌التاریخ، ابن اثیر جزری م ۶۳۰ هـ و معجم بیسان، یاقوت حموی م ۶۲۶ هـ ق، فیات الاعیان، ابن خلفان م ۶۸۱ هـ ق، نفی‌الطیغ، مقربی تلمسانی م ۱۰۴۶ هـ ق از جمله منابعی می‌باشند که هرکدام در زمینه‌ی آغاز کار امویان اندلس، مورد استفاده‌ی این‌جانب قرار گرفت.

والسلام من اتبع الهدی

خرداد ۱۳۷۵

حمد صادقی

دیباچه مترجم

زمینه‌ی تاریخی اندلس پیش از امویان

اسپانیا و در نزد عرب، اندلس^۱ در سال‌های ۹۱ و ۹۲ هـ / ۷۱۰ - ۷۱۲ م مدتی بعد از
 افریقا توسط مسلمین فتح گردید و تا سال ۱۳۸ هـ (۷۵۶ م) مثل سایر ممالک اسلامی
 در سلسله‌ی ولایاتی که از دارالخلافه اعزاز می‌شدند، اداره می‌شد.

اسپانیا قسمت اعظم شبه‌جزیره‌ای است، در گوشه‌ی جنوب‌غربی اروپا و آن با قطعه‌ی
 پرتغال، شبه‌جزیره‌ی ایبری را تشکیل می‌دهد. پرتغال از نظر موقعیت جغرافیایی بخشی از
 سرزمین اسپانیا^۲ است. چنانچه به انضمام پرتغال شبه‌جزیره‌ی مربع‌شکلی است که
 فقط از طرف شمال‌شرقی به اروپا، یعنی به سرزمین فرانسه مربوط می‌شود. سلسله
 کوه‌های عظیم و بلند موسوم به پیرنه، سلسله‌ی دوازده‌گانه‌ی دیوار عظیمی است، این قطعه را از اروپا
 مجزا می‌سازد و دیگر جوانب آن را آب احاطه کرده است. حد شمالی اسپانیا به خاک فرانسه
 یا سلسله‌ی جبال پیرنه، اقیانوس اطلس یا خلیج گاسکانی می‌رسد. از طرف مغرب به اقیانوس
 اطلس و پرتغال محدود است. از طرف جنوب به اقیانوس اطلس، بنابر سبته (جبل الطارق) و
 دریای مدیترانه، امتداد یافته است. از جانب مشرق محدود به مدیترانه است.

اندلس در زمان خلافت ولیدبن عبدالملک (۸۶-۹۶ هـ) ششمین خلیفه‌ی اموی که پس
 از مرگ پدرش عبدالملک به خلافت رسید، به تصرف سپاه اعراب درآمد. در روز پنجم ماه
 رجب سال ۹۲ هـ طارق بن زیاد بربری و الی طنجه از طرف موسی بن نصیر لخمی، با
 لشکریان خود از تنگه‌ی جبل الطارق گذشت. موسی بن نصیر از تابعین و از قبیله‌ی تمیم
 الداری از جمله کسانی از تابعین بدر بوده که برای جهاد، مرزدار و غیره به اندلس آمد.

گویند او مردی عاقل، کریم، شجاع و پرهیزگار بوده است. نوشته‌اند در قحطی سختی در
 افریقا، موسی مردم را به نماز، روزه و اصلاح خود امر کرد. با آنان برای دعای باران به صحرا
 بیرون رفت. مادران را از بچه‌ها جدا کرد و فریاد، ناله، شیون، گریه و زاری صحرا را فرا
 گرفت. تا ظهر بدین حال گذشت، آن‌گاه موسی نماز خواند و در خطبه‌ی خود، نام ولیدبن
 عبدالملک را نبرد، به او گفتند: چرا نام امیرالمؤمنین را نبردی؟ گفت: این جایی است که
 جز نام خدا برده نمی‌شود. سپس باران بسیاری بارید و مردم سیراب شدند.

پدرش نصیر لخمی و وزگار معاویه بن ابی سفیان (۴۱-۶۰ هـ) رئیس شرطه‌ی دمشق
 بود و با وجود این، در جنگ تبوک از مخالفت با امیرالمؤمنین علی (ع) امتناع ورزید و
 حاضر نشد با آن حضرت حاضر شود.^۲

حکومت افریقا پیش از موسی از سال ۶۵ هـ به عهده‌ی حسان بن نعمان^۳ بود. انفصال
 حسان از حکومت افریقا به برابره جرات بن اسد انصاری، فتنه‌انگیزی و فساد کنند، ولی در
 اثر فعالیت، پشتکار و درعین حال جرات و شهادت والی جدید، آشوبی که به پا شده بود،
 همگی فرونشست.

موسی به واسطه‌ی یک رشته عملیات جنگی دلیرانه، جرات و جسارتی که در او و پسرانش
 بروز کرد، نیروی متشکل بربرها را درهم شکست. همدستان یونانی آن‌ها نیز به سوی رانده
 شدند و سراسر کشور امن و آرام شد. موسی با سلوک و رفتار مسالمت‌آمیزی که نسبت به
 رؤسای بربر افریقا در پیش گرفت، توانست اعتماد کامل آنان را به طرف خود جلب نماید،
 سپس یزرگان لشکر را فرمود تا اصول و مبادی اسلام را به آنان بیاموزند و در نتیجه در اندک
 زمانی، تمام بربرها به آیین اسلام گرویدند.^۴

وضعیت اقوام اندلس از قدیم تا رسیدن مسلمین

سکنه‌ی قدیم اندلس از قوم سلنت Seltes بوده که از فرانسه وارد آن‌جا شدند. قوم ایبر که اسم آن‌ها بر این شبه‌جزیره اطلاق شده است. این دو طایفه بیشتر در شمال و مرکز مسکن داشتند، پس طوایف دیگری از خارج آمده و در سواحل متوطن شدند، از جمله فنیقیان، پشت سر آن‌ها یونانی و پس کارتاژها که این کشور را تصرف نموده و شهری با نام کارتاژ (قرطاجنه) Cartagena در آن‌جا بنا نهادند.^۵

شبه‌جزیره مزبور برای دولت روم بسیار سودمند بود، برای این‌که در سر راه اروپا و آفریقا واقع شده و مسیر آن دو قاره بود. رومیان تا قرن پنجم میلادی بر اندلس حکومت کرده و رجال نامی از مفاخر دولت و ملت، مانند سنکاولوسین و مارسیتال و چهار امپراتور به‌نام‌های تراژان Trajan، آدرین A Irien، مارکوس اورلیوس Marc Aurele و تئودوس Theodose درخشیدند. هر چهار امپراتور در اندلس متولد شدند.^۶ پس از آن‌که دولت روم غربی متصرف شد، طایفه‌های ویزیگوت و واندال به ترتیب مهاجمین داخل شبه‌جزیره شدند و رومیان را اخراج کردند. به این ترتیب که اقوام ویزیگوتی، شمال، مانند واندال، Sueues, Alaine و غیره بعد از این‌که فرانسه را نابود کردند، به اندلس حمله برده‌اند. لیکن پس از چندی وحشی‌های دیگری مانند ویزیگوت (گوت‌ها) آن‌ها را مغلوب ساخته و در قرن ششم، اندلس را در دست داشتند.^۷

بین این وحشی‌ها و اقوام لاتینی که در اندلس مسکن داشتند، امتزاج حاصل شد. زبان آن‌ها لاتینی گردید و نیز، خدایان خود را ترک گفته و دیانت مسیح را قبول نمودند. در زمان لشکرکشی مسلمین، اقوام گوت^۸ با هم در تحت یک حکومت اشرافی، تربیت یافته و در مردم روح بردگی و بندگی پیدا شده بود.^۹

اندلس پیش از فتح اسلامی

در آن هنگام که حکمرانی مسلمین بر افریقا، سواحل و جزایر نزدیک آن گسترش می‌یافت، افریقا در سایر حکومت اسلام از نعمت آزادی عقیده، عدالت و آسایش بهره‌مند می‌گشت. مراحل تکامل و پیشرفت را می‌پیمود، همسایه‌ی مجاورش اندلس تحت سیطره‌ی مظالم گوت‌ها بود. اوضاع آشفته و پریشانی داشت که در هیچ دوره‌ای چنین وضعیت و اشتناکی را ندیده بود. گوت‌ها قدرت را در دست داشتند، اشخاص متمول و اشراف یا طبقات ممتاز، از دادن مالیات و سایر عوارض معاف بودند. از این رو طبقات متوسط و تمام ارضای کشور، تحمیل بر آن‌ها بوده، رو به پریشانی و ویرانی نهادند. کلیه‌ی فعالیت‌ها، عدلیات مربوط به پیشه و هنر، به واسطه‌ی گرفتن مالیات‌های کمرشکن و سستین از بین رفته، زارع و غلام مالک، قدمی نمی‌توانستند بردارند و بدون اجازه‌ی ارباب حق زدن نداشتند. هرگاه بین زارعین ازدواجی اتفاق می‌افتاد، فرزند آن‌ها بین دو مالک، به‌طور مساوی تقسیم می‌گردید.

یهودیان که یک‌عده‌ی خیلی زیادی از آن‌ها در آن شب جزیره مسکن داشتند، همیشه مورد تعقیب سخت و عذاب سلاطین بودند. آزادی عقیده و بیان را آسایش وجود نداشت. ملت در نهایت محرومیت، بینوایی و انواع ستم‌ها به‌سر می‌برد. زارعین و غلامان برای همیشه طوق بندگی به گردن انداخته و امید آن‌را نداشتند که چه وضعی آزا خواهند شد و از این مفاک ظلمت‌زا، یک‌روز چشمانشان به شعاع آفتاب خواهد افتاد. در ناحیه ایالت مسلمین در طرف دیگر تنگه، به‌نظر این مردمی که گرفتار ظلم و جور سلاطین گوتیک و رؤسای مذهبی بودند، آسمان امنیت و آرامش شمرده می‌شد. لذا یک‌عده‌ی زیادی از آن‌ها از این مظالم طاقت‌فرسا فرار کرده، به استان مسلمانان، یعنی افریقا پناهنده شده بودند. گوت‌ها مدت دو‌یست سال بر اندلس فرمان می‌راندند، تا آن‌گاه که مسلمانان اسپانیا را فتح کردند.^{۱۱}